

Acquaintance of Qajar Iranians with American cultural achievements and trying to getting a pattern them (Case study: books and reading)

Fereshteh Jahani*

Abstract

The American cultural system, especially the development of the country's scientific centers, was one of the most prominent issues that was considered by Iranians, especially intellectuals, during the Qajar period. In their exploratory perspective, they analyzed this issue and explained in detail the role and position of categories such as books and book reading in this country. In this regard, the author seeks an answer to the following questions: From the point of view of Qajar Iranians, what was the place of books and book reading in the United States? How much did the US government care about it and what policies did it pursue? And most importantly, what are the practical consequences for Iran of the growing knowledge of reformists and Iranian political elites about these scientific centers? This article with descriptive-analytical method based on the press and unpublished documents shows that progressives, especially from the Nasser period, were well aware that one of the reasons for the rapid progress of the United States is the high position of science and cultural centers. With a critical and comparative look, on the one hand, they mentioned factors such as the will and large investment of the US government in supporting authors and the development of libraries, the general public acceptance of book publishing, etc. for the transformation of American books and libraries, and on the other hand By submitting these reports, they were able to persuade Iranian

* PhD in History of Iran, Payame Noor University of Tehran, Fereshtejahani65@gmail.com

Date received: 06/02/2021, Date of acceptance: 14/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

government officials to emulate the United States and expand scientific and cultural ties with that country.

Keywords: book, library, USA, Qajar intellectuals, scientific centers.

آشنایی ایرانیان دوره قاجاریه با دست‌آوردهای فرهنگی آمریکا و تلاش برای الگوپذیری از آنها (نمونه موردی: کتاب و کتابخوانی)

فرشته جهانی*

چکیده

نظام فرهنگی آمریکا به ویژه توسعه و پیشرفت مراکز علمی این کشور از برجسته‌ترین مباحثی بود که در دوره قاجاریه مورد توجه ایرانیان به ویژه روشنفکران قرار گرفت. آنان در نگاه کاوشگرانه خود به تجزیه و تحلیل این موضوع پرداختند و به تفصیل نقش و جایگاه مقولاتی هم‌چون کتاب و کتابخوانی در این کشور را تشریح کردند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطبوعات و اسناد منتشر نشده به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است: از نگاه ایرانیان دوره قاجاریه کتاب و کتابخوانی در آمریکا چه جایگاهی داشت و شناخت روزافزون اصلاح‌طلبان و نخبگان سیاسی ایران از مراکز علمی آمریکا هم‌چون کتابخانه‌ها در عمل چه نتایجی را به دنبال آورد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ترقی خواهان به ویژه از دوره ناصری به خوبی متوجه شده بودند که یکی از دلایل سرعت پیشرفت آمریکا جایگاه والای علوم و مراکز فرهنگی آن کشور است. آنان با نگاهی انتقادی و مقایسه‌ای از یک طرف عواملی چند هم‌چون اراده و سرمایه‌گذاری کلان دولت آمریکا در حمایت از نویسندگان و توسعه کتابخانه‌ها، استقبال عمومی عامه مردم از انتشار کتاب، تحول در صنعت چاپ و ... را برای تحول در کتاب و کتابخانه‌های آمریکا ذکر کردند و از طرف دیگر با ارائه این گزارش‌ها توانستند مقامات دولتی ایران را به الگوپذیری از آمریکا و گسترش ارتباطات علمی و فرهنگی با این کشور ترغیب کنند.

* دکترای تخصصی تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه پیام نور تهران، Fereshtejahani65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: کتاب، کتابخانه، آمریکا، روشنفکران قاجاریه، مراکز علمی.

۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های روشنفکران و مصلحان دوره قاجاریه رهایی ایرانیان از جهالت با استفاده از گسترش علوم و معارف بود. آن‌ها مسئله آموزش عمومی ملت را یکی از اساسی‌ترین موضوعات ضروری کشور می‌دانستند؛ برای نمونه سید حسن تقی‌زاده، از متجددین متاخر عصر قاجاریه معتقد بود که این مسئله هزار مرتبه مهم‌تر از اصلاحات سیاسی و دولتی است. وی بر این باور بود که «المعایب علت‌العلل بدبختی‌ها... بی سوادی عامه است.» (کاوه، ۱۳۳۹ق، س ۵، ش ۱:۱۱) در واقع روشنفکران این دوره اساس تعلیم و آموزش نوین را آخرین راه نجات ایران می‌دانستند و یکصدا به این نتیجه رسیده بودند که تا علوم و مراکز علمی ترتیب صحیحی پیدا نکند تمام کارهای آنان نقش برآب است زیرا در طول تاریخ هر وقت درصدد اصلاح مملکتی برآمدند نخست معارف آن را اصلاح کرده و توسعه داده‌اند چون که علم مایه ثروت و قدرت دولت و ملت دانسته می‌شد. بنابراین آن‌ها راه برون رفت از این جهل را افتتاح مراکز فرهنگی با الگوبرداری از کشورهای غربی ذکر می‌کردند.

در تداوم چنین دیدگاهی طولی نکشید که آمریکا به عنوان پیشرفته‌ترین کشور غربی در کانون توجه قرار گرفت. در حقیقت مطبوعات قاجاریه در چارچوب نگاه متجددانه تلاش داشتند افکار عمومی را به این نکته متقاعد سازند که پیشرفت و نجات ایران در گرو پیروی از سیاست‌های علمی و آموزشی آمریکا است، به عبارت دیگر بر لزوم الگوبرداری از ساختار نوین علمی و آموزشی آن کشور تاکید می‌کردند. برای نمونه روزنامه ثریا پیشنهاد می‌کرد که باید علمی که حکمای آمریکا در آن ترقی کرده و آثار آنها را به فارسی ترجمه کنیم. (ثریا، ۱۳۱۷ق، ج ۱، س ۱، ش ۴۲: ۱۴، ۱۵) زیرا اعتقاد بر این بود که این آثار موجب بیداری فکر ایرانیان و ورود اندیشه‌های غربی خواهد شد.

بررسی سابقه پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم پژوهش‌های گوناگون در خصوص مراکز علمی و فرهنگی ایران در دوره قاجاریه در هیچ‌کدام از این منابع حتی اشاره‌ای مختصر هم به وضعیت کتاب و کتابخانه‌ها در آمریکا و الگوبرداری از این کشور در دوره قاجاریه نشده است.

هم‌چنین این پژوهش به لحاظ زمانی از زمان ورود میسیونرها به ایران تا پایان دوره قاجاریه را در برمی‌گیرد. در اینجا آنچه بسیار اهمیت دارد روشن ساختن این مسئله است که سیر اطلاع ایرانیان از جایگاه کتاب و کتابخوانی در آمریکا از چه زمانی آغاز شد، چگونه افزایش یافت و چه نتایجی را به دنبال داشت؟ با بررسی دقیق مطبوعات، اسناد منتشر نشده و منابع موثق این فرضیه مطرح شد که در ابتدا فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در ایران و سپس نشریات دوره ناصری مهم‌ترین نقش را در شناخت ایرانیان از وضعیت کتاب و کتابخانه‌های آمریکا ایفا کردند، علاوه بر آن‌ها نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا به واکاوی و تجزیه و تحلیل وضعیت کتاب و کتابخانه‌های این کشور پرداختند و توانستند با ارائه گزارش‌های خود سرعت و عمق توسعه کتاب و کتابخوانی و ترقی کتابخانه‌ها در آمریکا را نشان دهند. به نظر می‌رسد این آگاهی‌ها منجر به توجه بیش‌ازپیش مقامات دولتی ایران به دستاوردهای علمی آمریکا در این عرصه شد و زمینه را برای ورود تکنولوژی‌های جدید در این عرصه و شرکت در کنفرانس‌های علمی این کشور فراهم آورد.

۲. جایگاه کتاب و کتابخوانی در ایران دوره قاجاریه

دوره قاجاریه از این جهت که پلی میان ایران قدیم و دنیای مدرن بود، بسیار حائز اهمیت است. سلاطین قاجاری از آغامحمدخان و فتحعلی‌شاه گرفته تا احمدشاه توجه چندانی به پیشرفت فرهنگ و معارف عمومی نداشتند و در واقع مجالی برای پرداختن به مسائل علمی و تاسیس نهادهای آموزشی وجود نداشت. (کسایی، ۱۳۷۷، ش ۳۰: ۵) حتی ادعا شده پادشاهی چون ناصرالدین‌شاه از بیداری و آگاهی مردم و از اینکه روحانیون و صاحبان مدارس قدیم از برپایی مدارس و مراکز علمی جدید از او برنجد، بیم داشت. (اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۵۵/۱؛ راوندی، بی‌تا: ۹۸) از نظر نیروهای مذهبی رواج نظام آموزشی غربی تهدیدی جدی علیه نظام آموزشی سنتی بود. (ملایی توانی، ۱۳۹۹: ۱۹، ۴۳) بنابراین با این واکنش‌ها طبیعی بود که مراکز علمی اندک باشد. با نگاهی به آمار مدارس در ۱۲۶۹ ق روشن می‌شود که در برابر ۲۲۷ باب مغازه تریاک فروشی، تنها ۱۴ باب مکتب‌خانه وجود داشت! (سعدوندیان، ۱۳۶۸: ۳۸، ۳۹) بدون شک این مکتب‌خانه‌ها فاقد کتاب‌خانه بوده‌اند و جز چند کتاب درسی غیراستاندارد کتابی برای تعلیم و تربیت

نوآموزان وجود نداشت. در خصوص رکود کتابخوانی در ایران حاج سیاح می‌گوید: «در ایران روزنامه و کتب و هر چیز که انسان گاهی خود را مشغول کرده از هموم وارده یا از کارها که خسته شده خود را تفریح دهد و رفع خستگی روح نماید، وجود ندارد.» (حاج سیاح، ۱۳۵۹، ۹۱) در واقع رکود کتاب در ایران چنان بود که ادعا می‌شد در سراسر ایران یک جلد کتاب جغرافیا و تاریخ صحیح پیدا نمی‌شد که حداقل مردم از وضع حدود و مسلک همسایگان و یا از تاریخ اجداد خود اطلاعاتی حاصل کنند (ناصری، ۱۳۱۵ق، س ۴، ش ۱۱: ۷) و به قول طالبوف «در ایران در میان ۱۵۰۰ تن، یک نویسنده نیست ... و ۱۰ کتاب مفید اطفال یا رجال تالیف نشده است.» (طالبوف، ۲۵۳۶: ۱۱۲) البته این روند در بعد از مشروطه هم ادامه یافت و مظفرالدین شاه اگرچه برخلاف پدرش مخالفتی با نشر معارف نداشت اما در این راستا هیچ گام عملی هم برنداشت. (بزرگ امید، ۱۳۶۳: ۹۵) این را می‌توان از مطالب روزنامه ایران نو به خوبی دریافت. این نشریه در خصوص وضعیت کتاب و کتابخانه در مدرسه دارالفنون آورده است: مدرسه دارالفنون که مرکز دائره معارف است بعد از پنجاه سال هنوز یک پروگرام و کتابخانه ندارد... هنوز شاگرد نمی‌فهمند چه درسی باید بخواند. (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۲۵: ۳) مردآزاد در سال‌های آخر دوره قاجاریه در انتقاد از نبود کتابخانه در مدارس ایران می‌نویسد:

این دارالفنون ۷۰ ساله که ما هر روز به رخ خود و خارجه‌ها می‌کشیم، هم کتابخانه ندارد، ۳۰۰ جلد کتاب مندرس عهد دقیانوس که نه به درد معلم می‌خورد نه متعلم در یکی از اتاق‌ها چیده شده و هیچ گاه کسی به سراغ آنها نمی‌رود و کتابخانه‌ای که محصلین بتوانند از آن استفاده کنند در این مدرسه ۷۰ ساله هم وجود ندارد و در بودجه‌هایی که بعد از سال ۱۲۹۷ق / ۱۸۸۰م برای تاسیس مدارس دولتی اختصاص یافت اگرچه مبالغی به منظور احداث کتابخانه در نظر گرفته شد اما دیناری از آن صرف کتابخانه‌ها نشد و بنابراین به صورت سابق باقی ماندند. (مردآزاد، ۱۳۴۲ق، س ۱، ش ۱۲۰: ۱، ۲)

و جالب است که در ادامه بحث از پیامدهای این معضل، عدم شناخت دانش‌آموزان ایرانی از آمریکا را همچون اصل و ملاکی تعیین کننده مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌نویسد:

در مدارس ایران کتابخانه وجود ندارد و تمام معلومات شاگرد منحصر است به یادداشت‌هایی که در سر کلاس برداشته است. برای قسمت مهمی از دروس مخصوصاً در مورد تعلیمات متوسطه کتاب دبستانی هم هنوز طبع نشده است. این محصل که مثلاً راجع به جغرافیای اقتصادی آمریکا دو صفحه در کلاس از بیانات معلم یادداشت کرده تمام همش بر این است که اسامی و کلیات را از حفظ کند و فردا به معلم پس دهد چنین محصولی از احصائیه‌های فلاحتی، تجارتي و صنعتی آمریکا به کلی بی‌اطلاع است. اصلاً از وسایل تولید ثروت آن خبر ندارد، نمی‌داند آمریکا به چه علت و به چه ترتیب در ظرف یک قرن ترقیات محیرالعقول در عالم اقتصاد کرده و امروز به همان وسیله نفوذ فوق‌العاده مهم در سرتاسر دنیا دارد، از نقشه‌های تجارتي، از ایاب‌وذهاب قطارها و کشتی‌ها و هواپیماهای آنجا ابداً اطلاعی ندارد و در مخیله خود نمی‌تواند زندگانی اقتصادی آمریکا را تصور کند این نوع اطلاعات که جز لاینفک تعلیمات دبستانی است باید از کتاب اخذ شود، کتاب باید در کتابخانه مدرسه باشد، متأسفانه هیچ یک از مدارس ما کتابخانه ندارد. (مردآزاد، ۱۳۴۲ق، س ۱، ش ۱۲۰: ۱، ۲)

بنابراین بنا به نوشته مطبوعات این دوره حتی در اواخر دوره قاجاریه برای تعداد اندک مدارس و دانش‌آموزانهم کتاب‌های کافی وجود نداشت و وزارت معارف دارای یک کتابخانه و یک دارالترجمه نبود.^۱

همان‌گونه که مشاهده شد در ایران دوره قاجاریه در حوزه نشر کتاب و کتابخانه ترقی صورت نگرفت. اما سوال اینجاست که آیا مصلحان و ترقی‌خواهان که از دوره عباس میرزا پیشرفت کشور را در گرو ایجاد نظام آموزشی نوین و برپایی مراکز علمی مدرن تشخیص داده بودند، از پیشرفت و توسعه کشور نوبافته آمریکا در عرصه کتاب و کتابخوانی آگاه بودند و در این راستا چه اقداماتی انجام دادند؟ برای پاسخ به این سوال در ادامه تلاش می‌شود با بررسی نقش میسیونرهای آمریکایی، مطبوعات قاجاریه‌و نمایندگان دیپلماتیک ایران در آمریکا سیر نخستین آگاهی ایرانیان از کتاب و کتابخانه‌های آمریکا و نتایج نهایی این آگاهی روشن شود.

۳. نقش میسیونرها آمریکایی در ترویج و اشاعه کتاب در ایران

قبل از انتشار مطبوعات، نخستین شناخت ایرانیان به ویژه در عرصه فرهنگی از آمریکا از طریق میسیونرهای آمریکایی در ایران حاصل شد. آن‌ها در سال ۱۲۴۴ق / ۱۸۲۹مبه ایران

(ارومیه) آمدند. (فلاندن، ۲۵۳۶: ۴۴۰، ۴۴۱) و توانستند جوانان ایرانی را با علوم و عقاید جدید تمدن غربی آشنا کنند. (یادگار، ۱۳۲۵ش، ۷، ۶: ۶۱، ۶۰) هم‌چنین در نتیجه فعالیت آن‌ها در فاصله سال‌های ۱۸۷۱-۱۸۴۱م (۱۲۵۷-۱۲۸۸ق) حدود ۱۰۰ اثر منتشر شد. حجم انتشارات آنان در برخی مواقع بالغ بر یک میلیون صفحه در سال بود. این حجم عظیم منتشره علاوه بر تورات و انجیل و تفسیرهای مربوط به آن‌ها، زمینه‌های دیگری هم چون شعر، ریاضیات، جغرافیا، پزشکی، موسیقی، تاریخ و غیره را نیز در برمی‌گرفت. (خسروزاده، ۱۳۹۷: ۲۳) علاوه بر این هیات میسیونری کتاب‌های زیادی از آمریکا از طریق جاده‌های کوهستانی ارومیه وارد و در روستاها توزیع می‌کردند. (ناطق، ۱۳۸۰: ۲۳۶) طبق یکی از گزارش‌ها در فاصله سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۹۲م (۱۳۰۰-۱۳۰۹ق) جمعاً ۷ میلیون ۷۳۶ هزار و ۴۲۸ صفحه کتاب در موضوعات گوناگون در چاپخانه میسیون‌های آمریکایی به‌طبع رسیده است. هم‌چنین آن‌ها در ۱۸۴۸م/۱۲۶۴ق نخستین روزنامه مداوم به نام اشعه نور را در ایران به زبان آسوری چاپ کردند که انتشار آن تا اوایل جنگ جهانی اول ادامه داشته است. (الدر، ۱۳۳۳: ۱۰۰) بدون شک این نوشته‌ها خود در بالا بردن آگاهی ایرانیان از نظام فرهنگی آمریکا و توجه روشنفکران به شناخت و آگاهی بیشتر در خصوص مراکز علمی همچون کتاب و کتابخانه‌ها تاثیر بسزایی داشته‌اند.

۴. مقایسه چاپ و نشر کتاب در ایران و آمریکا از نگاه مطبوعات دوره قاجاریه

از جمله مولفه‌های توسعه آمریکا، کتاب و فرهنگ کتابخوانی آن کشور بود. در این رابطه مطبوعات قاجاریه به ویژه از دوره ناصری با دقت و وسواسی خاص سیر رشد کمی و کیفی این مولفه را از شمار کتاب‌های منتشره در هر سال تا تعداد کتابخانه‌ها و ارزیابی این روند در دوره‌های زمانی مشخص و بالاخره مقایسه آن با کشورهای هم‌سطح آمریکا موردتوجه قرار داده‌اند. برای نمونه به موجب گزارشی، در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م در آلمان سالانه ۲۴ هزار، در فرانسه ۱۳ هزار، در ایتالیا ۹ هزار، در انگلستان ۶ هزار و ۵۰۰ و در آمریکا حدود پنج هزار عنوان کتاب طبع و نشر می‌گشت. (ناصری، ۱۳۱۷ق، ۶، ش ۳۲: ۳) در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م این میزان به ترتیب به ۲۴ هزار و ۹۷۵ عنوان کتاب در آلمان، ۱۴ هزار و ۳۵۵ در فرانسه، ۱۰ هزار و ۷۰۰ در ایتالیا، ۶ هزار و ۵۳۱ در انگلستان و ۱۲ هزار

آشنایی ایرانیان دوره قاجاریه با دست‌آوردهای فرهنگی ... (فرشته جهانی) ۲۱۹

و ۲۸۱ در آمریکا افزایش یافت. (چهره‌نما، ۱۳۲۴ق، س ۳، ش ۲۵: ۶، ۷) آن‌چنان‌که مشاهده می‌شود طی یک دوره هفت ساله ۱۳۲۴-۱۳۱۷ق / ۱۹۰۶-۱۸۹۹م، برخلاف کشورهای مرفعی اروپایی که رشد محسوسی در توسعه نشر کتاب نداشته‌اند در آمریکا این میزان از پنج هزار عنوان به بیش از ۱۲ هزار عنوان رسیده است که نشان‌دهنده رشد چشم‌گیر چاپ و نشر کتاب در این کشور نویافته می‌باشد.

گسترش چاپ و نشر کتاب در آمریکا دلایل فراوانی داشت، یکی از این دلایل عزم راسخ و اراده آمریکا در توسعه علم و دانش و به ویژه توجه به وضعیت کتاب و کتابخانه‌ها در آن کشور بود. این سیاست در چند شکل خاص قابل مشاهده بود که نخستین آن‌ها سرمایه‌گذاری و اختصاص هزینه‌های آموزشی حیرت‌آور آن کشور در عرصه فرهنگی بود. آمریکا برخلاف سایر دولت‌ها که بیشترین بودجه خود را به بخش نظامی اختصاص می‌دادند، ۲ برابر مخارج نظامی خود را به بخش آموزش اختصاص داده بود؛ آن‌چنان‌که روزنامه‌های این دوره با استناد به مطبوعات انگلیسی نوشته‌اند؛ آمریکا با جمعیت ۵۰ میلیونی خود و بودجه نظامی ۲۳۵ میلیون دلاری، ۴۶۵ میلیون دلار را به بخش معارف تخصیص داده بود. (اختر، ۱۳۰۴ق، ج ۵، س ۱۳، ش ۱۳: ۳۵۷۹) مسلماً با اطلاع از چنین حقایقی، انتقاد از وزارت معارف روز به روز بیشتر می‌شد. در این خصوص روزنامه‌ها این دوره نوشتند در حالی که وزارت معارف بزرگترین وزارتخانه در دول و ملل متمدن آن عصر بود، در ایران حتی بعد از مشروطه چندان مورد اعتنا نبود و همواره نسبت به هشت وزارتخانه دیگر کمتر به آن توجه می‌شد. (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۲۵: ۳؛ حبل‌المتین، ۱۳۲۷ق، س ۱۸، ش ۱۵: ۲) در حقیقت جرائد عصر قاجاریه از قبل از مشروطه به‌خوبی می‌دانستند که علت پیشرفت همه جانبه آمریکا هزینه‌هایی بوده که این کشور در راه گسترش علوم و معارف به طور عام و کتاب و کتابخانه‌ها به طور خاص صرف کرده است. (دولت علیه ایران، ۱۲۸۰ق، ج ۱، ش ۵۴۵: ۵۸۴) بدین ترتیب نظر روشن‌فکران این دوره رشد ثروت و مکتب هر کشور ارتباط تنگاتنگی با میزان سرمایه‌گذاری آن کشور در معارف دارد.

جدای از موارد فوق، در آن‌زمان که هنوز در کمتر کشوری آموزش کودکان استثنائی مورد توجه قرار گرفته بود، مقامات دولتی آمریکا مدارس و کتاب‌های ویژه‌ای برای آموزش کودکان کر و لال، نابینا و غیره ایجاد کردند. (معارف، ۱۳۲۴ق، ش ۶: ۲؛ مجلس، ۱۳۲۹ق،

ج ۴، ش ۱۴۶: ۱) برای نمونه در شهر «مریلند» مجموعه کتاب لغتی ۱۸ جلدی حاوی ۴۰ هزار لغت با حروف (بریل) برای نابینایانی که خواندن و نوشتن می‌دانند مرتب و منتشر شده است حال آنکه بنا به نوشته روزنامه مظفری در ایران برای «چشم‌داران» هم هیچ امکاناتی وجود ندارد. (مظفری، ۱۳۲۳ق، س ۴، ش ۲۰: ۴) طالبوف هم مانند روزنامه مجلس و مظفری با دیده انتقادی می‌نویسد:

آمریکا بیش از ۱۰۰ سال است که مدارس متعدد برای کوران و گنگان ساخته‌اند. از میان آن‌ها اشخاص مستعد و دانا و فیلسوف و مولف بیرون آمده و می‌آید اما اطفال بصیر و مستعد ممالک ایران را به قدر اطفال کور سایر ملل مواظب و پرستاری نیست. (طالبوف، ۲۵۳۶: ۸۶، ۸۵)

اهمیت کتاب برای امریکاییان بدان حد بود که برای حفظ حقوق مولف قوانینی وضع کردند. این قانون در سال ۱۹۰۸م / ۱۳۲۶ق توسط مجلس نمایندگان آمریکا تصویب و سپس به امضای رئیس جمهور آن کشور رسید. (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک ۱۰، پ ۳: ۲۴) این قانون باعث شد مولفان به طیب خاطر و با اطمینان از حفظ حقوقشان به فعالیت مشغول باشند و در نتیجه با صدور چنین قانونی طبیعی بود روز به روز شمار نویسندگان و مولفان و آثار منتشره در آن کشور فزونی یابد.

از دیگر دلایل موثر در گسترش نشر کتاب استقبال عمومی مردم آن کشور از کتاب بود. برای نمونه در سال ۱۳۰۳ق/۱۸۸۶م «جنرال اگرانت» مستوفی رئیس جمهوری آمریکا پاره‌ای ملاحظات و یادداشت‌های خود را در کتابی به نگارش درآورده بود. حدود ۴۴۰ هزار نفر مشتری خرید این کتاب شده و هزینه آن را نیز از قبل پرداخته بودند و پیش‌بینی می‌شد تا زمان انتشار کتاب این میزان به ۶۰۰ هزار نفر برسد. باید خاطر نشان کرد که تا آن زمان در هیچ جای دنیا سابقه نداشت چنین استقبالی از کتابی که هنوز منتشر نشده بود، صورت گیرد این در حالی بود که در ممالک شرق کتابی که تازه طبع و تالیف هم شود در نهایت تا ۲ هزار نسخه به فروش می‌رسد. (اختر، ۱۳۰۳ق، ج ۴، س ۱۲، ش ۳۹: ۳۲۸۳) بنابراین تفاوت امریکاییان و مشرقیان در ترویج علوم را تنها می‌توان از این یک فقره معلوم و قیاس کرد. در نمونه‌ای دیگر به «سیر هربرت» نام از کتاب فروش‌های معتبر شهر شیکاگو اشاره شده که کتابی در هزار صفحه با تیراژ ۴۰۰ جلد منتشر کرده بود و قیمت مقطوع هر جلد را ۵۰۰ لیره گذاشت و هیچ جای تعجب نبود که این کتاب بسیار گرانبها

آشنایی ایرانیان دوره قاجاریه با دست‌آوردهای فرهنگی ... (فرشته جهانی) ۲۲۱

به‌آسانی به فروش برسد. (گنجینه فنون، ۱۳۲۱ق، ش ۹: ۱۳۱) استقبال مردم از کتاب چنان بود که برای نمونه در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م روزانه ۴۶ هزار و ۶۰۰ نفر به کتابخانه شیکاگو مراجعه و از کتاب‌های آنجا استفاده می‌کردند. (اختر، ۱۳۰۹ق، ج ۷، س ۱۸، ش ۳۳: ۲۵۶) و این آمار بدون شک در سال‌های بعد بسیار فراتر از این میزان رفت. روزنامه ناصری با نگاهی انتقادی به این مساله می‌نویسد: پیشرفت و استقبال از کتاب در آمریکا درحالی است که در ایران نه تنها استقبالی از کتاب نمی‌شد بلکه هیچ تلاش و کوششی نیز برای ترغیب مردم به این کار وجود نداشت. (ناصری، ۱۳۱۵ق، س ۴، ش ۱۱: ۷)

علاوه بر این، اصلی‌ترین و در واقع مهم‌ترین دلیل این رشد حیرت‌انگیز را باید در صنعت چاپ پیشرفته و مدرن آن کشور دنبال کرد. لازم به ذکر است که اطلاع ایرانیان از آغاز تحول در صنعت چاپ آمریکا سابقه‌ای دیرینه داشت، از جمله قدیمی‌ترین اشاره‌ها به تحول در صنعت چاپ در آمریکا اشاره وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م است. این روزنامه می‌نویسد: یکی از روزنامه‌نویسان نیویورک چرخه‌ی ساخته است که ساعتی ۲۰ هزار نسخه روزنامه از آن بیرون می‌آید. (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷ق، ش ۲۰: ۹۸) مدت‌ها بعد یعنی در سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م، صحاف‌باشی در نیویورک دستگاه چاپ را دیده و توصیف کرده بود. وی در پایان توصیفش می‌افزاید: «نمی‌دانم این نوع چیزهای آسان را چرا ما نداریم!» (صحاف‌باشی تهرانی، ۱۳۵۷: ۶۶، ۶۷) اظهار حیرت نویسندگان ایرانی از دستگاه چاپ آمریکا طبیعی بود زیرا همان‌گونه که گفته شد در سال‌های قبل از انقلاب مشروطه وضعیت چاپ و نشر در ایران همچنان ابتدایی بود. به طوری که ادعا می‌شد در حد فاصل سی ساله (۱۳۱۷-۱۲۸۷ق) بیش از ۱۰۰ کتاب در چاپخانه‌های تهران، تبریز و سایر بلاد منتشر نشده بود. (ناصری، ۱۳۱۷ق، س ۶، ش ۳۲: ۳) از طرف دیگر موضوع و محتوای کتاب‌هایی که در ممالک متمدنه منتشر می‌شد، برای ملت سودمند بود این در حالی بود که در ایران سالانه تنها چند جلد کتاب با عناوینی چون خاله سوسکه و دزد قاضی و موضوعات بی‌اهمیت دیگری به چاپ می‌رسید. (مظفری، ۱۳۲۳ق، س ۴، ش ۲۰: ۴)

همان‌گونه که مشاهده شد نبود صنعت چاپ مدرن در ایران یکی از دلایل عدم انتشار کتاب به شمار می‌رفت. بنابراین طبیعی بود که روشنفکران و ترقی‌خواهان این دوره با حیرت از چاپخانه‌ها آمریکا و نویسندگی زنان این کشور سخن گویند. در

سال ۱۳۱۶ق/۱۸۹۸م، روزنامه ناصری با حیرت به ارائه آمار و ارقامی در خصوص تعداد نویسندگان کتب زن در آمریکا سخن می‌گوید و می‌نویسد: در این کشور ۸۲۴ نویسنده و کاتب زن و ۵۰ هزار و ۶۳۲ کارگر در چاپخانه مشغول به کار بوده‌اند. رشد سریع این نویسندگان را می‌توان از این مطلب به خوبی دریافت که در ۱۷ سال قبل، یعنی در سال ۱۲۷۹ق/۱۸۸۰م در تمامی چاپخانه‌های آمریکا تنها هفت دختر کار می‌کردند. این پیشرفت‌ها در دنیای جدید در حالی بود که در ایران اسباب تحصیل و تربیت اعم از مرد و زن وجود نداشت و در کل ایران ۵۰ نفر زن که قادر به خواندن و نوشتن باشند، وجود ندارد. (ناصری، ۱۳۱۶ق، ش ۷، ص ۷؛ ۱۳۱۷ق، س ۶، ش ۳۱: ۵) لازم به ذکر است که مطبوعات دوره قاجاریه به صورت مفصل در مورد تحصیل، مدارس، اشتغال و دیگر عرصه‌هایی که زنان آمریکا به فعالیت می‌پرداختند؛ به ارائه گزارش‌ها مفصل می‌پرداختند. (جهانی؛ ملایی توانی، ۱۴۰۰: ۷۱-۹۲) بنابراین به دنبال این گزارش‌ها مقامات دولتی اقدام به الگوبرداری و بهره‌گیری از دستاوردهای آن کشور گرفتند.

۵. توجه مطبوعات به رشد کمی و کیفی کتابخانه‌ها در آمریکا

به موازات اهمیت فائل شدن برای کتاب، وجود کتابخانه نیز امری ضروری و ملاکی برای رشد نشر کتاب و استقبال عمومی از آن قلمداد می‌شد. در اکثر بلاد ممالک متمدن خارجه کتابخانه‌های ملی عمومی احداث شده که هر کدام حاوی صدها هزار کتاب بود. در این کشورها معارف‌خواهان هزینه‌های زیادی صرف احداث این کتابخانه‌ها می‌کردند و کتاب‌های نفیس را از همه کجا گردآورده و وقف ملت خود می‌کردند همچنین در این کشورها هر فردی کتابی بخواهد به ترتیب و قانونی که مقرر است به کتابخانه مراجعه کرده و استفاده می‌کند در نتیجه چنین وضعیتی این ممالک روز به روز بیشتر ترقی می‌کنند. (اطلاع، ۱۳۱۶ق، ش ۴۵۵: ۳) یکی از مهم‌ترین این کشورهای متمدن، آمریکا بود در واقع رشد اهمیت کتاب و فرهنگ کتاب‌خوانی در آمریکا را می‌توان از سیر ترقی کتابخانه‌های آن‌جا دریافت. به بیان دیگر، استقبال از کتاب و تمایل عمومی به مطالعه آن زمینه‌ساز احداث و گسترش کتابخانه‌های عمومی گشت. (ثریا، ۱۳۱۶ق، س ۱، ش ۱: ۲) بنابراین یکی از علت‌های اصلی و غایی ترقی آمریکا و دیگر کشورهای متمدن شمار زیاد کتابخانه آن کشورها اعلام می‌شد. در واقع از نگاه ممالک مترقی یکی از برجسته‌ترین معیارهای تمدن و

ترقی و میزان دانش و بینش هر مملکتی شماره کتابخانه‌ها آن کشور بود و از این نگاه باید گفت آمریکاییان توانستند در نشر کتاب و بنای کتابخانه چه به لحاظ کمی و چه کیفی از اروپاییان پیشی بگیرند.

در حقیقت باید اذعان داشت که دولت آمریکا نهایت تلاش و کوشش خود را جهت تربیت ملت خود به کار می‌گرفت و آمار و ارقام مربوط به کتاب و کتابخانه آمریکا گواه موفقیت این کشور در پیشبرد این هدف بود. سیر این تحولات از دید مطبوعات قاجاریه پنهان نماند و به تفصیل دنبال می‌شد و البته در همان حال انتقاد و ابراز تاسف از مقایسه این شرایط با وضعیت کتاب و کتابخانه و فرهنگ کتاب‌خوانی در ایران ادامه داشت. یکی از قدیمی‌ترین اشاره‌ها به کتابخانه‌های آمریکا را می‌توان در روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۰ق/۱۸۵۴م مشاهده کرد. طبق این اشاره در آمریکا ۶۹۴ کتابخانه عمومی وجود داشت و در این کتابخانه‌ها در مجموع ۲ میلیون و ۲۰۱ هزار و ۶۲۳ جلد کتاب قرار داشت. (وقایع اتفاقیه، ۱۲۷۹ق، ج ۲، ش ۱۸۰: ۱۱۶۱)

بر اساس گزارشی دیگر در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م بزرگترین کتابخانه‌های دنیا به ترتیب «کتابخانه ملی پاریس» با پنج میلیون کتاب، کتابخانه لندن موسوم به «بریتیش میوزیم» با چهار میلیون کتاب و «کتابخانه ملی آمریکا» در واشنگتن با ۲ میلیون کتاب بودند. (اختر، ۱۳۰۹ق، ج ۷، س ۱۸، ش ۳۳: ۲۵۶) بر این اساس هنوز آمریکا نتوانسته بود به لحاظ کمی کتابخانه‌های معروف اروپا را پشت سر بگذارد اما با گذشت زمان و رشد علاقه و توجه به کتاب در آمریکا، شمار کتابخانه‌های این کشور نیز فزونی گرفتند به گونه‌ای که در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م روزنامه مجلس شمار کتابخانه‌های آن کشور را پنج هزار و ۸۰۰ واحد با ۳۱ میلیون نسخه کتاب اعلام کرد. (مجلس، ۱۳۲۹ق، ج ۴، ش ۹۹: ۴) در همین سال یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های عالم در شهر نیویورک افتتاح شد. قیمت زمین این بنا ۱۰۰ میلیون فرانک بود و کتابخانه به طور کلی از مرمر سفید بنا شده و ۳۹۰ قدم طول و ۲۷۰ قدم عرض داشت. (مجلس، ۱۳۲۹ق، ج ۴، ش ۱۲۳: ۴) طبق آماری در همین سال این شهر با سه میلیون و ۷۱۶ هزار نفر جمعیت، ۷۰ کتابخانه و ۲ میلیون کتاب داشت. (بهار، ۱۳۲۹ق، س ۱، ش ۱۲: ۷۲۳) در رابطه با عزم جدی دولتمردان و حکومت آمریکا در توسعه علم و دانش و کتابخانه‌ها آنها حتی در زندان‌ها هم کتابخانه ایجاد کردند. با توجه به کتابخانه سه هزار جلدی موجود در یکی از زندان‌ها که روزنامه اختر بدان اشاره کرده است، می‌توان

پی برد حکومت آمریکا تا چه اندازه در عزم خود مبنی بر ریشه‌کنی بی‌سوادی راسخ بود. (اختر، ۱۳۲۵ق، ج ۷، س ۱۸، ش ۳: ۵۲۶۰)

لازم به ذکر است که اگرچه در دهات و روستاهای خیلی کوچک در آمریکا هم کتاب‌خانه عمومی وجود داشت اما وسعت و عظمت کتابخانه‌های موجود در شهرهای بزرگ شگفت‌انگیز بود. برای نمونه علاوه بر کتابخانه نیویورک، کتابخانه عمومی شهر شیکاگو نیز بسیار عظیم و در حقیقت همچون قصری سلطنتی توصیف شده است. علاوه بر موارد فوق یکی دیگر از بهترین کتابخانه‌های آمریکا در شهر «بُستون» بود که قریب یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خرج بنای آن شده و ۷۰۰ هزار جلد کتاب و ۲۵۰ خدمه دارد. این کتاب‌خانه فهرست کتبی دارد که به چاپ رسیده و در دست مردم است بنابراین در هنگام درخواست کتاب، شخص هیچ معطل نمی‌شود و علاوه بر آن اگر بخواهد می‌تواند کتاب را به منزل خود نیز ببرد. (اطلاع، ۱۳۱۶ق، ش ۴۶۳: ۴) رسم این کتابخانه‌ها بر این بود که از هر کتابی که در آن کشور منتشر می‌شد ۲ نسخه تهیه کرده و در مخزن کتابخانه قرار می‌دادند و شمار کل کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های آمریکا نیز از این راه تخمین زده می‌شد. (تربیت، ۱۳۲۱ق، ج ۲، ش ۲۸۵: ۱۱۹۱) روند روزافزون کتابخانه‌ها آمریکا هم‌چنان ادامه داشت به طوری که مردآزاد در اواخر دوره قاجاریه در رابطه با گستردگی کتاب‌خانه‌های آمریکا و در انتقاد به وضعیت کتاب‌خانه‌های ایران با تمدن شش‌هزار ساله می‌نویسد:

اگر بخواهیم شمار کتابخانه‌های آمریکا را که تنها ۴۰۰ سال قدمت دارد در روزنامه درج کنیم یک ماه و نیم طول خواهد کشید تا ستون اطلاعات متفرقه مرد آزاد پُر شود زیرا این ملت تازه به دوران رسیده آمریکا قریب هزار و ۷۰۰ کتابخانه دارد که کوچک‌ترین آنها در روستایی موسوم به «آلاباما» و دارای هزار و ۵۰۰ جلد کتاب است، بزرگ‌ترین آنها «کتابخانه مجلس نمایندگان» آن کشور در واشنگتن است که بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار جلد کتاب دارد. مجموع کتب موجود در کتابخانه‌های این کشور حدود ۳۵ میلیون جلد می‌باشد. «حال شما هر چه می‌خواهید دم از تمدن شش هزار ساله خود بزنید، در مقابل ملل مترقیه عالم به شما ارقام تحویل خواهند داد. (مرد آزاد، ۱۳۴۲ق، س ۱، ش ۱۲۱: ۱)

آنچه آمد حیرت روشنفکران ایران از رشد کمی کتابخانه‌های آمریکا و پیشی گرفتن این کشور از سایر کشورهای غربی بود.

در عرصه کتاب و کتابخانه علاوه بر دولت آمریکا که در راستای ترقی و توسعه علوم و معارف و به‌ویژه خرید کتاب و احداث کتابخانه از هیچ اقدامی دریغ نمی‌ورزید؛ خیرین آمریکایی هم تأثیرگذار بودند. برای نمونه «مستر ایندروکارنگی» برای بنا و افتتاح یک باب کتابخانه عمومی در شهر سان فرانسیسکو یک میلیون و ۹۰۰ هزار روپیه کمک کرده بود. علاوه بر این برای تعمیر کتابخانه «نیووترود» نیز ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار روپیه هزینه کرد. (ادب، ۱۳۱۹ق، س ۱، ش ۳۹: ۳۰۹) علاوه بر این کارنگی چند سال بعد میلیون‌ها دلار هم برای تاسیس کتابخانه‌های عمومی در آمریکا و خارج از این کشور اعطا کرده بود. (بهار، ۱۳۲۸ق، س ۱، ش ۳: ۱۸۵) به‌طوری که تنها در خارج از آمریکا دستور داد ۵۰۸ کتابخانه احداث کنند. (چهره نما، ۱۳۲۸ق، ج ۲، س ۷، ش ۸: ۱۱) از دیگر خیرین تأثیرگذار آمریکایی می‌توان «مستر راکفلر» رئیس کمپانی نفت (اختر، ۱۳۱۳ق، ج ۹، س ۲۲، ش ۲۷: ۷۸۶۹) «مسیو استانفورد» (اطلاع، ۱۳۰۳ق، ش ۱۳۵: ۳) و «مستر گارسک» را نام برد. (مظفری، ۱۳۲۳ق، س ۴، ش ۶: ۳) آنها با وقف مبالغ زیادی وجه نقد و اختصاص دادن زمین برای ساخت مراکز علمی گام‌های موثری در این عرصه برداشتند.

علاوه بر مردان آمریکایی، زنان آمریکا هم بذل و بخشش‌های فراوانی در راه پیشرفت علم و دانش در کشورشان انجام داده‌اند. برای نمونه «مادام استانفورت» نامی هفت میلیون‌ونیم جنیه انگلیسی^۲ برای وسعت مراکز علمی هدیه داده است. (حکمت، ۱۳۱۷ق، ج ۲، ش ۱۳: ۱۴) علاوه بر این خیرین نامدار؛ دیگر مردم عامه تنها در سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م املاکي برابر با ۴۶۵ میلیون دلار برای ساخت مراکز علمی وقف کرده بودند. (مجلس، ۱۳۲۹ق، ج ۴، ش ۱۴۶: ۱) از نگاه روشنفکران این دوره یکی از دلایل ترقی معارف آمریکا هدایای خیرین و ساخت کتابخانه‌های عظیم توسط آنها بود. بنابراین جای تعجب نبود که ملت جوان آمریکا به این رتبه و اعتلا برسند، چون تمام مردم آن ممالک فهمیده و دانسته‌اند که سعادت این جهان و آسایش این دوران به ترقی معارف و مراکز علمی است.

مصلحان این دوره در ادامه تمجید از خیرین آمریکایی به انتقاد شدید از فرهنگ و سنت‌های بومی ایران پرداختند و خواستار پیروی از الگوی خیرین آمریکایی بودند. درواقع روزنامه‌ها امیدوار بودند با معرفی خیرین آمریکایی و شرح اقدامات آنان بتوانند خیرین ایرانی را تحت تأثیر قرار دهند و آنان را به ساخت مدارس و کتابخانه‌ها و دیگر مراکز

علمی ترغیب کنند. آنان بعد از توصیف بذل و بخشش‌های آمریکای‌ها برای ساخت مراکز علمی با انتقادی و طعنه به خیرین ایرانی می‌نویسد: آیا خیرین ایران چند هزار هزار دینار به مدارس ایران هدیه کرده‌اند؟! (حکمت، ۱۳۲۳ق، ج ۳، ش ۸۴۴: ۲) در پاسخ به این سوال نوشته روزنامه چهره‌نما بسیار قابل تامل است این روزنامه می‌نویسد:

هموطنان ما که مروج دین پیامبر هم هستند هر قدر می‌شنوند و می‌خوانند که فلان آمریکایی میلیون میلیون تومان در راه احداث مدارس و احیای علوم مبذول داشته، اراده نمی‌کنند که یک بنای خیریه احداث کنند و یا یک مدرسه بسازند. (چهره‌نما، ۱۳۲۸ق، ج ۲، س ۷، ش ۸: ۱۱)

اذعان می‌شد که در مشرق زمین رسم و عادت ثروتمندان منحصر به ثروت‌اندوزی است و ابراز حیرت می‌شد که اگرچه بخشی از اهالی مشرق زمین در اکثر اعمال و افعال خود از اروپا و آمریکا تقلید می‌کنند اما روشن نیست چرا مانند آمریکایی‌ها درصدد تاسیس مدارس و کتابخانه‌های مجانی برای کودکان بی‌بضاعت مملکت نیستند. (اطلاع، ۱۳۲۱ق، س ۲۵، ش ۱۳: ۳؛ خورشید، ۱۳۲۵ق، س ۱، ش ۵: ۱) بنابراین روشنفکران با نگاه انتقادی و تجددطلبانه خود مدام به ثروتمندان ایرانی توصیه می‌کردند که با بذل مال در تاسیس مراکز علمی مملکت را از ذلت و ناتوانی برهانند.

۶. دست‌آوردهای شناخت ایرانیان از پیشرفت آمریکا در زمینه کتاب و کتاب‌خوانی

تحت تاثیر گزارش‌های روشنفکران و مطبوعات این دوره وزارت معارف برای رفع معضلات مربوط به فقدان کتابخانه و محدودیت دسترسی به کتاب؛ درصدد اصلاح امور برآمد. آنها نخستین «کتابخانه عمومی ملتی» را در هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۱۶ق/ ۲۳ اکتبر ۱۸۹۸م در خیابان علاءالدوله افتتاح کردند. (اطلاع، ۱۳۱۶ق، ش ۴۵۵: ۳) چند سال بعد چند هزار کتاب در این کتابخانه فراهم آمد که در مقایسه با کتابخانه‌های عظیم آمریکا و دیگر ممالک متمدنه بسیار ناچیز و مختصر بود. (مجلس، ۱۳۲۸ق، ش ۱۲۵: ۴) اما فعالیت‌های فرهنگی خود را آغاز کردند. علاوه بر این روشنفکران و نویسندگان بعد از ارائه گزارش‌های متعدد از پیشرفت آمریکا در عرصه کتاب و کتابخانه‌ها بر لزوم توجه، گویرداری و ورود دستاوردهای این کشور به ایران تاکید می‌کردند. برای نمونه به دنبال

گزارش‌های دیپلمات‌های ایران در واشنگتن ایران در کنگره هشتم جغرافیا در واشنگتن که در ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م برگزار شد، شرکت کرد، از جمله مسائلی که در این کنگره مورد بحث قرار می‌گرفت امور مربوط به کتابخانه‌های ملی بود. (استادوخ، ۱۳۲۲ق، ک ۹، پ ۵: ۴۰) اگرچه به طور دقیق از شرکت یا عدم شرکت ایران در این کنگره و تأثیرات احتمالی آن در توجه به کتابخانه در داخل ایران اطلاعی در دست نیست اما آن چیزی که روشن است این‌که بازتاب آمار و ارقام کتابخانه‌ها آمریکا نه تنها موجب آگاهی مردم ایران از جایگاه و اهمیت این عرصه فرهنگی در ترقی آمریکا داشت بلکه سبب گردید روشنفکران و مصلحان این دوره بر لزوم شرکت در کنگره‌ها آمریکا تاکید کنند و این کشور را الگو قرار دهند.

علاوه بر مورد فوق دیپلمات‌های ایران در واشنگتن به ویژه اسحاق مفخم‌الدوله از مقامات دولتی درخواست می‌کند که به اختراعات آمریکا در حوزه صنعت چاپ توجه داشته باشند و به دنبال این گزارش‌ها بود، که مظفرالدین شاه دستور داد ماشین تحریری که برای نوشتن به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی در آمریکا اختراع شده است را به ایران بفرستند. (استادوخ، ۱۳۲۰ق، ک ۲۰، پ ۱/۳: ۲۵، ۲۸، ۳۰) همچنین در ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م مشیرالدوله وزیر امور خارجه در نامه‌ای به «مرتضی قلی ممتازالملک» که جانشین مفخم‌الدوله در واشنگتن شده بود، خواستار ارسال سه دستگاه چرخ تحریر و ۲ دستگاه ماشین آلات حروف‌ریزی یا دستگاه چاپ برای شاه شد. (استادوخ، ۱۳۲۴ق، ک ۲۰، پ ۵: ۴۲، ۵۴) از مجموع این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که ایرانیان و به عبارت بهتر هیئت حاکمه ایران به محض آگاهی از اختراع ماشین‌های جدید چاپ و تحریر در آمریکا به تهیه آن اقدام کردند اما ظاهراً این دستگاه‌ها تا سال ۱۳۲۳ق هنوز وارد کشور نشده و یا اگر شده بود مورد استفاده قرار نگرفته بودند. (مظفری، ۱۳۲۳ق، س ۴، ش ۱۸: ۱۴) و انتقادات از وضعیت تاسف‌بار کمی و کیفی صنعت چاپ و نشر در ایران همچنان باقی بود.

همچنین در نتیجه هماهنگی و تلاش‌های سفارت ایران در واشنگتن ارتباطات با محافل علمی آمریکا همچنان رو به پیشرفت بود. یکی از نهادهایی که بعد از مشروطه تلاش بسیاری برای توسعه و تحول در نظام و مراکز علمی ایران و ایجاد ارتباطات علمی با آمریکا را بر عهده داشت، نهاد «انجمن تربیتی ایران و آمریکا» بود. بنیانگذار آن «میرزااحمد سهراب» بود. وی در ۱۷ سالگی از دارالفنون تهران فارغ‌التحصیل شد و پس از چندی به مصر و عکا و سپس در ۲۰ رمضان ۱۳۲۷ق/۵ اکتبر ۱۹۰۹م به آمریکا سفر کرد.

لازم به ذکر است که میرزا احمد سهراب یک مقام دولتی نبود و در یک حرکت خودجوش دست به تاسیس انجمن زده بود. یکی از قوانین نظام‌نامه این انجمن این بود که کتب و صحف عامی، فنی، تاریخی، طبی و غیره و جراید و مجلات هفتگی و ماهیانه دائماً جمع کرده و به اداره مدرسه تربیت بفرستند. (چهره نما، ۱۳۲۸ق، ج ۲، س ۷، ش ۱۷: ۵، ۴) در واقع مقصود این انجمن نشر معارف و تعلیمات عمومی در ممالک مشرق زمین از طریق مراکز علمی و جمع‌آوری وجوه اعانه و موقوفات بود. (ایران نو، ۱۳۲۹ق، ش ۳: ۲) انجمن از کمک‌های مالی بسیاری از آمریکاییان برخوردار بود، به‌طوری‌که برخی از آنان شخصاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان کمک می‌کردند. دوستان انجمن کمک‌های خود را به صورت نقد و یا به صورت اهداء کتاب‌های درسی و روزنامه و نشریه به مدرسه تربیت تهران فرستادند. (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۲۰؛ چهره نما، ۱۳۲۸ق، ج ۲، س ۷، ش ۱۱: ۱۶، ۱۵) از این گزارشات پیداست نقش احمد سهراب بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. وی در نامه‌ایی خطاب به مجلس ملی ایران در ۱۰ شوال ۱۳۲۸ق/۱۵ اکتبر ۱۹۱۰م نوشت:

مجلس ملی دولت ایران باید کمیسیون رسمی مرکب از بزرگان و وطن‌خواهان ملت محض تحصیل مسائل تمدن جدید آمریکا می‌فرستادند تا سری در مدارس و دارالفنون‌های بزرگ داخل این کشور نموده... چنین کمیسیون رسمی اگر به تکالیف عالی خود عمل نماید سبب ترقی و حیات ایران خواهد گردید. (چهره نما، ۱۳۲۸ق، ج ۲، س ۷، ش ۱۹: ۵)

بدین ترتیب انجمن تربیتی ایران و آمریکا تلاش داشت از طریق ارتباط با محافل مختلف آمریکایی حمایت‌های آنان از نشر معارف و بهره‌مندی ایرانیان از نظام جدید آموزشی رایج در آمریکا را کسب کند. به دنبال گزارش‌ها و اقدامات وی وزارت امور خارجه ضمن استقبال از آن نوشت که «این انجمن حاکی از مراتب ایران دوستی و معارف پروری است و امروز تنها وسیله وصول ایرانیان به نقطه مقصود همانا نشر معارف و توسعه مراکز علمی است.» (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک ۲۰، پ ۳: ۱) با توجه به مطالب بالا می‌توان به این نتیجه رسید که بعد از مشروطه مصلحان و متجددین توانستند وزارت خارجه و وزارت معارف و به طور کلی مقامات دولتی را متقاعد کنند که برای برون‌رفت از عقب‌ماندگی علمی و معارف باید به آمریکا بیش از سایر کشورها توجه نمود و آن را الگو قرار داد.

مناسبات علمی و آموزشی ایران و آمریکا در آخرین سال‌های حکومت قاجاریه روبه ترقی بود. به طوری که در ۱۳۴۰ق، علایی در گزارشی به ایران می‌نویسد که انجمن معارف آمریکا سفارت ایران را دعوت کرده‌اند که پنج نماینده به کنفرانس عمومی معارف که از ۲۸ ژوئن الی ششم ژانویه ۱۹۲۳م در شهر «اوکلاند» کالیفرنیا تشکیل می‌شود، بفرستند. (ساکما، ۲۹۷/۳۸۵۸۷: ۳) هم‌چنین در ۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م دانشگاه شیکاگو در نامه‌ای به سفارت ایران در واشنگتن تقاضای یک دوره عکس‌های موسسات و مراکز علمی و فرهنگی دارد. بنا به نوشته علایی این تصاویر در کنفرانس‌ها نمایش داده خواهد شد و هم‌چنین در کتاب و مجلات و غیره چاپ خواهد شد. (ساکما: ۲۹۷/۳۰۵۲۹؛ ساکما: ۲۹۷/۴۱۶۳۱) درخواست این تصاویر موجب می‌شد که وزارت معارف ایران بیش از پیش به توسعه مراکز علمی توجه کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای مناسبات فرهنگی ایران و آمریکا در دوره قاجاریه ورود کتاب و رسائل گوناگون از این کشور به ایران بود. این اقدام مهم فرهنگی به کمک دیپلمات‌ها و محصلان ایرانی در آمریکا انجام می‌گرفت. از جمله آنها می‌توان به ارسال پنج صندوق کتاب از آمریکا به کتابخانه ملی توسط یکی از محصلان به نام «سیدحسین مترجم نظام» در ۱۳۳۲ق اشاره کرد. (استادوخ، ۱۳۳۲ق، ک ۲۲، پ ۱۱، ب ۱۳) هم‌چنین در دوره ناصری از اداره تلگرافی بوشهر به امینالسلطانوزیردربار خبری مبنی بر ورود سه صندوق کتاب متعلق به دولت آمریکا داده می‌شود. (ساکما، ۲۹۵/۸۱۰۳) از محتوای این کتاب‌ها اطلاعی در دست نیست.

اما کتاب‌ها و رسائل چاپی را جعبه‌زراعت، دامپرو ریوتجارت آمریکا در این دوره بیش از هر حوزه دیگری به ایران وارد شد. به طوری که در ۱۳۲۹ق علیقلی خان نبیل‌الدوله ۱۰۰ شماره پی در پی از مطالب فلاحی آمریکا را به ایران فرستاد. (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۹، پ ۱: ۲۷۸) علاوه بر علیقلی خان دیپلمات‌های دیگری مانند صدیق السلطنه چند رساله در مورد کشاورزی و بذر در آمریکا به ایران فرستاد. (استادوخ، ۱۳۳۹ق، ک ۱۳، پ ۱۰: ۸-۱) بعد از صدیق السلطنه که در ۱۳۳۹ق جای خود را به حسین علایی داده بود، این تلاش‌ها ادامه یافت و ویاطلاعات و داده‌های ارزشمندی را در این زمینه از واشنگتن به وزارت فواید عامه ارسال کرد. در حقیقت علایی در این زمینه بیشتر و جدی‌تر از سفرای قبل و بعد به انجام وظیفه پرداخت و خدمات ارزنده‌ای به ثمر رساند. او تلاش داشت در

زمینه‌های متعدد ایران آخرین ترقیات زراعی آمریکا مطلع سازد. (استادوخ، ۱۳۰۱ش، ک ۲۳، پ ۱: ۹۴، ۱۳) وی در اقدامی مهم ضمن ارسال چهل کتابچه منتشره از طرف وزارت فلاحت آمریکا گزارش می‌دهد که این کتابچه‌ها اغلب حاوی مطالب مهمی هستند که به کار فلاحت هر مملکتی می‌خورد. وی در پایان وعده داده بود ارسال چنین کتابچه‌هایی را همچنان ادامه خواهد داد. از جمله محتوای این کتاب‌ها می‌توان نظامات اداره انهدام حشرات، قوانین راجع به شکار طیور، طریقه کنسروکردن، راجع به نباتات سمی، غذادادن گاو و گوساله، طریقه عمل آوردن گندم، عمل آوردن کرفس، قوانین راجع به آتیه زراعت پنبه و... نام برد. (استادوخ، ۱۳۰۱ش، ک ۲۳، پ ۱: ۱۲۰، ۱۱۹) بدون شک این اطلاعات و به کارگیری آن‌ها می‌توانست موجب ترقی و ازدیاد ثروت مملکت حاصل‌خیز ایران شود.

لازم به ذکر است که برخی از سیاحان آمریکایی هم‌چون مازر الکساندر پاول (Major Alexander Powell) که برای کسب اطلاع از اوضاع پلتیکی و اقتصادی و هم‌چنین ادبی و تاریخی عازم ایران می‌شدند اطلاعات خود را به صورت کتاب منتشر می‌کردند. (استادوخ، ۱۳۰۰ش، ک ۲۳، پ ۲، ب ۱۹۱) پروفیسور جکسون از دیگر عالمان مشهور آمریکا بود که چندین مرتبه به ایران مسافرت نموده و کتاب‌هایی درباب ایران نوشته است. (استادوخ، ۱۳۳۷ق، ک ۱۰، پ ۴، ب ۲۵) بدون شک اینگونه انتشارات و تالیفات موجب مزید بصیرت اهالی آمریکا و از هر نقطه نظر برای ایران مفید بوده است.

در برخی مواقع آمریکایی‌ها در مناسبت‌های مختلف به پادشاهان ایران کتاب اهدا می‌کردند از جمله آنها می‌توان به اهدا کتاب «سفرنامه قطب شمال» به احمد شاه اشاره کرد. این کتاب را «ادمیرالپیری» سیاح معروف و کاشف قطب شمال با خط و امضای خود به همراه یک شاخ عاج ماهی شمالی به احمدشاه اهدا کرد. (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۳۹، پ ۴، ب ۲۴۵؛ استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ب ۳۲۳) همان‌گونه که مشاهده شد در این دوره کتاب‌ها و رسائل متعددی از آمریکا به ایران وارد شد. روشن گردید هدف از ارسال این کتاب‌ها آگاهی از آخرین دستاوردهای آمریکا و فراگیری دانش آن‌ها در عرصه‌هایی هم‌چون کشاورزی، دامپروری و تجارت بوده است.

۷. نتیجه‌گیری

یکی از عرصه‌هایی که آمریکا در آن به شکل خیره‌کننده‌ایی پیشرفت کرد؛ نشر کتاب و توسعه مراکز علمی همچون برپایی کتابخانه‌ها بود. مشاهده گردید که به دنبال ورود میسیونرها به ایران و گسترش مطبوعات داخلی و خارج از کشور به ویژه از دوره ناصری شناخت ملموسی از وضعیت و سیر رشد کمی و کیفی کتاب و کتابخانه‌ها آمریکا حاصل شد و برای نخستین بار ایرانیان توانستند اطلاعات قابل توجهی از این مقوله در آمریکا به دست بیاورند. روشنفکران و مصلحان ایرانی در گزارش‌های خود این ترقی را از شمار کتاب‌های منتشره در هر سال تا تعداد کتابخانه‌ها و مقایسه آن با کشورهای هم سطح آمریکا مورد توجه قرار داده‌اند. آنها آمریکا را از نظر ترقی در عرصه کتاب و کتابخانه‌ها سرآمد دیگر کشورها می‌دانستند و برای اثبات مدعای خود به ارائه آمار و ارقامی از وضعیت نشر کتاب و ساخت کتابخانه در آمریکا و سایر کشورها پرداختند. بازتاب این اخبار و اطلاعات در مطبوعات و محافل روشنفکری از یک طرف آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان را به درجه قابل توجهی که در نوع خود بی‌سابقه بود، رساند و از طرف دیگر مسلماً منتقدین با اطلاع از چنین حقایقی، به انتقاد از وزارت معارف ایران که حتی بعد از مشروطه در وضعیت نامناسبی به سر می‌برد؛ پرداختند و در همان حال بر لزوم الگوبرداری از آن کشور تاکید می‌کردند.

در بررسی موضوع حاضر و نتایج حاصل از آن روشن شد که روشنفکران در واکاوی این مقوله و تجزیه و تحلیل دلایل تحول در کتاب و کتابخانه‌های آمریکا عواملی چند هم‌چون اراده و سرمایه‌گذاری کلان دولت آمریکا در حمایت از نویسندگان و توسعه کتابخانه‌ها، نقش بی‌بدیل خیرین این کشور، حفظ حقوق مولف، استقبال عمومی عامه مردم از انتشار کتاب و وجود صنعت چاپ مدرن را ذکر کردند. به همین دلیل منتقدین خواستار برداشتن گام‌هایی عملی برای الگو قرار دادن آمریکا در این مقوله شدند. روشن شد که مقامات دولتی ایران تحت تأثیر چنین فضایی و تلاش نمایندگان سیاسی در واشنگتن ارتباطات علمی و فرهنگی به ویژه بعد از مشروطه با آمریکا را افزایش دادند و در نمایشگاه‌ها و کنگره‌ها علمی آمریکا شرکت کردند. آنها همچنین صنعت چاپ آمریکا را مورد توجه قرار دادند و دستگاه چرخ تحریر و دستگاه چاپ را از این کشور به ایران وارد کردند. یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای مناسبات فرهنگی ایران و آمریکا در

دوره قاجاریه ورود کتاب و رسائل گوناگون به ویژه در حوزه زراعت، دامپروری و تجارت از این کشور به ایران بود. رویهمرفته باید گفت آمریکا به ویژه بعد از مشروطه در نظر ایرانیان، قطب علم و معارف گردید و مطبوعات، سفراء و سایر روشنفکران یکصدا به این نتیجه رسیده بودند که بایستی تحولات آمریکا در عرصه کتاب و کتابخانه‌ها را سرمشق قرار داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک مجله ایرانشهر، ۱۳۴۲ق، س ۲، ش ۵، ۶: ۲۶۸
۲. مشخص نشد ارزش این واحد پول که گویا زمانی توسط انگلیسی‌ها در مصر رواج یافته بود چقدر است.

کتاب‌نامه

الف. کتب و مقالات

- الدر، جان (۱۳۳۳). تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن (۱۳۶۳). از ماست که بر ماست، تهران: دنیای کودک.
- جهانی، فرشته؛ ملایی توانی، علیرضا (۱۴۰۰)، آشنایی ایرانیان با جایگاه زن در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه، فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۰، پیاپی ۱۴۰.
- حاج سیاح (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حاج سیاح و تصحیح سیف الله گلکار، تهران: چاپخانه سپهر.
- خسروزاده، سیروان (۱۳۹۷). راه بی‌سرانجام، نگاهی به سرگذشت آشوریان در جنگ جهانی اول، تهران: شیرازه کتاب ما.
- راوندی، مرتضی (بی‌تا). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، بی‌جا: نوبهار.
- سعدونیان، سیروس (۱۳۶۸)، آمار دارالخلافه تهران، تهران: نشر تاریخ ایران.
- صحاف‌باشی‌تهرانی، ابراهیم (۱۳۵۷). سفرنامه، به کوشش محمد مشیری، چاپ اول، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶). کتاب احمد، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- طالبوف، عبدالرحیم (۲۵۳۶). مسالک المحسنین، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.

آشنایی ایرانیان دوره قاجاریه با دست‌آوردهای فرهنگی ... (فرشته جهانی) ۲۳۳

فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). سفرنامه اوژن فلاندن، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
کسایی، نورالله (۱۳۷۷). مدارس قدیم تهران در عصر قاجار، علوم اجتماعی، نامه فرهنگ، ش ۳۰
محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
ملایی‌توانی، علیرضا (۱۳۹۹)، تکاپو برای آزادی (روایتی دیگر از انقلاب مشروطه ایران)،
تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
ناطق، هما (۱۳۸۰). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷)، تهران: معاصر پژوهان.

ب. روزنامه و مجلات

- روزنامه اختر (۱۳۰۳ق)، سال ۱۲، شماره ۳۹.
- روزنامه اختر (۱۳۰۴ق)، سال ۱۳، شماره ۱۳.
- روزنامه اختر (۱۳۰۹ق)، سال ۱۸، شماره ۳۳.
- روزنامه اختر (۱۳۱۳ق)، سال ۲۲، شماره ۲۷.
- روزنامه اختر (۱۳۲۵ق)، سال ۱۸، شماره ۳.
- روزنامه ادب (۱۳۱۹ق)، سال ۱، شماره ۳۹.
- روزنامه اطلاع (۱۳۰۳ق)، شماره ۱۳۵.
- روزنامه اطلاع (۱۳۱۶ق)، شماره ۴۵۵.
- روزنامه اطلاع (۱۳۱۶ق)، شماره ۴۶۳.
- روزنامه اطلاع (۱۳۲۱ق)، شماره ۱۳.
- روزنامه ایران (۱۲۹۰ق)، شماره ۱۸۰.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق)، شماره ۲۵.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق)، شماره ۲۵.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۷ق)، شماره ۳.
- روزنامه تربیت (۱۳۲۱ق)، شماره ۲۸۵.
- روزنامه ثریا (۱۳۱۶ق)، سال اول، شماره ۱.
- روزنامه ثریا (۱۳۱۷ق)، سال اول، شماره ۴۲.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ق)، سال ۳، شماره ۲۵.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق)، سال ۷، شماره ۱۱.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق)، سال ۷، شماره ۱۷.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۸ق)، سال ۷، شماره ۱۹.

۲۳۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

- روزنامه چهره نما (۱۳۲۸ق)، سال ۷، شماره ۸.
روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۹ق)، سال ۸، شماره ۱۶.
روزنامه چهره‌نما (۱۳۳۱ق)، سال ۹، شماره ۹.
روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۷ق)، سال ۱۸، شماره ۱۵.
روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۸ق)، سال ۱۸، شماره ۲۷.
روزنامه حکمت (۱۳۱۷ق)، شماره ۱۳.
روزنامه حکمت (۱۳۲۳ق)، شماره ۸۴۴.
روزنامه خورشید (۱۳۲۵ق)، سال اول، شماره ۱.
روزنامه دولت علیه ایران (۱۲۸۰ق)، شماره ۵۴۵.
روزنامه کاوه (۱۳۳۹ق)، سال ۵، شماره ۱.
روزنامه گنجینه فنون (۱۳۲۱ق)، شماره ۹.
روزنامه مجلس (۱۳۲۸ق)، شماره ۱۲۵.
روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق)، شماره ۱۴۶.
روزنامه مجلس (۱۳۲۹ق)، شماره ۹۹.
روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۲ق)، سال اول، شماره ۱۲۱.
روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۲ق)، سال اول، شماره ۱۲۰.
روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق)، سال ۴، شماره ۱۸.
روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق)، سال ۴، شماره ۲۰.
روزنامه مظفری (۱۳۲۳ق)، سال ۴، شماره ۶.
روزنامه معارف (۱۳۲۴ق)، شماره ۶.
روزنامه ناصری (۱۳۱۵ق)، سال ۴، شماره ۱۱.
روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق)، سال ۶، شماره ۳۱.
روزنامه ناصری (۱۳۱۷ق)، سال ۶، شماره ۳۲.
روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۷ق)، شماره ۲۰.
روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۷۹ق)، شماره ۱۸۰.
مجله ایرانشهر (۱۳۴۲ق)، س ۲، ش ۵، ۶.
مجله بهار (۱۳۲۸ق)، سال اول، شماره ۳.
مجله بهار (۱۳۲۹ق)، سال اول، شماره ۱۲.

مجله یادگار (۱۳۲۵ق)، شماره ۶، ۷.

ج. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه کلی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷/۳۰۵۲۹.

سازمان اسناد و کتابخانه کلی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۵/۸۱۰۳.

سازمان اسناد و کتابخانه کلی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷/۳۸۵۸۷.

سازمان اسناد و کتابخانه کلی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۷/۴۱۶۳۱.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، سال ۱۳۲۰ق، کارتن ۲۰، پوشه ۱/۳.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۲ق، ک ۹، پ ۵.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۳۲ق، ک ۲۲، پ ۱۱.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۴ق، ک ۲۰، پ ۵.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۸ق، ک ۲۰، پ ۳.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۸ق، ک ۱۰، پ ۳.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۹ق، ک ۲۹، پ ۱.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۲۹ق، ک ۳۹، پ ۴.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۳۷ق، ک ۱۰، پ ۴.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۳۹ق، ک ۱۳، پ ۱۰.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۰۰ش، ک ۲۳، پ ۲.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، س ۱۳۰۱ش، ک ۲۳، پ ۱.